

نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی در پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی

ناهید جعفریان^۱، مریم مقیمیان^{۲*}

چکیده

زمینه و هدف: تعهد زناشویی در استحکام خانواده و قبول مسئولیت‌های مربوطه دارای اهمیت است و لازم است عوامل مؤثر بر آن، بر اساس شرایط و فرهنگ جامعه بررسی گردد. پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی در پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی همبستگی است. ۱۵۰ زن دارای تعارضات زناشویی مراجعه‌کننده به ۵ مرکز مشاوره بر اساس معیارهای ورود به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های تعارضات زناشویی ثنائی، تعهد زناشویی آدامز، پذیرش و عمل بودند، سرخوردگی زناشویی کایرز و خودکارآمدی هیجانی بوری پاسخ دادند. داده‌های ۱۳۲ پرسشنامه کامل، با آزمون‌های آمار توصیفی (فراوانی و میانگین) و استنباطی (رگرسیون چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون) در نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تحلیل شدند.

یافته‌ها: تعهد زناشویی در زنان دارای تعارضات، بر اساس سرخوردگی زناشویی با ۴۱٪ واریانس، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با ۳۴٪ و خودکارآمدی هیجانی با ۵۲٪ واریانس قابل پیش‌بینی است. مؤلفه‌های تنظیم هیجانات به‌طور مثبت و معنادار ($\beta = 0/23$) و بیگانگی هیجانی به‌طور منفی و معنادار ($\beta = 0/23$) تعهد زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: خودکارآمدی هیجانی، تنظیم هیجانات و بیگانگی هیجانی بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی تعهد زناشویی در زنان دارای تعارضات دارند؛ اما نقش سرخوردگی زناشویی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی نیز قابل توجه است. بر این اساس انجام مداخلات مناسب برای کنترل این متغیرها جهت ارتقا تعهد زناشویی زوجین مفید به نظر می‌رسد.

کلمات کلیدی: انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، تعارض، تعهد زناشویی، خودکارآمدی هیجانی، سرخوردگی زناشویی.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه روانپرستاری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Email: Maryam.moghimian@iau.ac.ir

مقدمه

تعارض مجموعه‌ای از اتفاقات است که در روابط نزدیک همواره وجود دارد. رابطه زوجین نیز از این قاعده مستثنا نیست. زوجین بر اساس آموخته‌ها، تجارب و شناخت‌های زیربنایی خود دارای سبک‌های خاصی از حل تعارض هستند که هیچ‌کدام درست یا نادرست نیستند و همه پاسخ منفی به آن نمی‌دهند. عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی در بروز تعارضات زناشویی تأثیرگذارند. منابع تضاد زوجین به منابع قدرت آن‌ها و استرس‌های مرتبط با خانواده‌ها، خویشاوندان، تولد فرزندان، فقدان و یا سوگ، فرهنگ و شیوه برخورد با هریک از این عوامل برمی‌گردد (۱). تعارضات زناشویی حل‌نشده و بنیادی معمولاً به‌عنوان منبعی از تنش و نارضایتی در روابط شناخته می‌شوند و می‌توانند تأثیرات منفی فراوانی بر تعهد زناشویی زوجین داشته باشند (۲).

تعهد زناشویی میزان ارزشی است که زوجین برای رابطه خود قائلند و انگیزه و تلاشی است که برای حفظ آن رابطه دارند که می‌تواند به دلیل صمیمیت و رضایت از همسر، احترام به ازدواج، اجتناب از پیامدهای احتمالی جدایی باشد از مشخصه‌های این تعهد، از خودگذشتگی و ناتوانی در ترک رابطه زناشویی است که ثبات زناشویی را بیشتر می‌کند؛ به‌طوری‌که افراد متعهد برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند و در جهت حفظ و تقویت آن گام برمی‌دارند و حتی زمان‌هایی که در با تعارضاتی در رابطه با همسر مواجه می‌شوند با وی می‌مانند اما زوج‌هایی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و خانواده به بلوغ فکری لازم نرسیده‌اند غالباً بی‌وفایی نشان خواهند داد (۳). اگر سبک حل تعارض به‌طور سازنده و مؤثر باشد به فرصت‌هایی برای رشد و یادگیری تبدیل می‌گردد و می‌تواند به تقویت تعهد زناشویی و بهبود کیفیت روابط کمک کنند (۴).

عوامل زیادی می‌توانند پیش‌بینی کننده تعهد زناشویی باشند؛ یکی از عوامل مؤثر روان‌شناختی، سرخوردگی زناشویی

ناهید جعفریان و همکاران

است که یک حالت ناخوشایند ناشی از چرخه نامطلوب در روابط زوجی است که به‌صورت کاهش دلبستگی عاطفی نسبت به همسر، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به اوست (۵). سرخوردگی زناشویی معمولاً ناشی از عدم برآورده شدن انتظارات، اختلافات مکرر و نارضایتی‌های عاطفی است که می‌تواند احساس ناامیدی و بی‌ثباتی ایجاد کند. این احساسات منفی به کاهش تعهد زناشویی منجر می‌شود، زیرا افراد ممکن است احساس کنند که رابطه‌شان به‌جای حمایت و عشق، منبعی از تنش و استرس است. زمانی که با چالش‌های زناشویی مواجه می‌شوند و توانایی خود را در مدیریت این مشکلات زیر سؤال می‌برند، ممکن است تمایل کمتری به حفظ تعهد نسبت به رابطه نشان دهند. این وضعیت می‌تواند به ایجاد یک چرخه معیوب منجر شود، به‌طوری‌که سرخوردگی بیشتر، تعهد کمتر و درنهایت نارضایتی عمیق‌تر از رابطه را به دنبال دارد. به‌علاوه، اگر نتوانند به‌طور مؤثر با سرخوردگی‌های زناشویی مقابله کنند، ممکن است به‌تدریج از رابطه فاصله بگیرند و به‌جای تلاش برای حل مشکلات، به فکر جدایی بيفتند (۶).

انعطاف‌پذیری روان‌شناختی مؤلفه دیگری است که در تعهد زناشویی زوجین دارای تعارضات، قابل‌تأمل است و به‌عنوان توانایی عمل مؤثر مطابق با ارزش‌های شخصی تعریف می‌شود. این سازه به حالتی گفته می‌شود که فرد می‌تواند در مقابل افکار، احساسات و تظاهرات بدنی ناشی از استرس به‌طور مناسب رفتار کند. زوجینی که دارای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی هستند معمولاً نسبت به محرک‌های درونی و بیرونی لحظه‌به‌لحظه هشیار بوده و زمان حال را بدون قضاوت و اجتناب تجربه می‌کنند. آن‌ها می‌توانند هیجانات ناشی از درک و قضاوت خود نسبت به همدیگر را مدیریت نمایند و به عبارتی این افراد خودکارامدی هیجانی دارند (۴). این ویژگی به‌خصوص به زنان کمک می‌کند تا به‌طور مؤثر با چالش‌ها و تعارضات زناشویی مواجه شوند و از دیدگاه‌های مختلف به

مسائل نگاه کنند. زنان با انعطاف‌پذیری شناختی بالا، معمولاً با حفظ انسجام و ارتقا خود، تعارضات زناشویی را مدیریت می‌کنند (۷). آن‌ها می‌توانند به راحتی از دیدگاه‌های منفی فاصله بگیرند و به جای تمرکز بر مشکلات، به دنبال راه حل‌ها و فرصت‌های بهبود روابط باشند. این توانایی به آن‌ها کمک می‌کند تا احساسات منفی را کاهش دهند و به جای احساس ناامیدی، به تقویت تعهد زناشویی خود بپردازند. زنانی که توانایی تطبیق افکار و احساسات خود را دارند، معمولاً در برقراری ارتباط مؤثرتر و در استفاده از راهبردهای مذاکره و گفتگو در حل تعارضات موفق‌تر هستند و رابطه آن‌ها با نوعی توازن همراه است. این امر می‌تواند به ایجاد حس نزدیکی و اعتماد بین زوجین منجر شود و پرخاشگری را به حداقل برساند (۴). در نهایت، انعطاف‌پذیری شناختی این امکان را می‌دهد که در مواجهه با چالش‌های زناشویی، به جای انزوا و ناامیدی، به دنبال یادگیری و رشد در رابطه خود باشند. این ویژگی می‌تواند به حفظ و تقویت تعهد زناشویی در طول زمان کمک کند و به ایجاد روابطی سالم‌تر و پایدارتر منجر شود (۸).

از طرف دیگر زنانی که احساس خودکارآمدی هیجانی بالایی دارند، معمولاً قادرند به خوبی با چالش‌های عاطفی و هیجانی در روابط خود مقابله کنند و راهکارهای بهتر و کارآمدتری برای حل مشکلات ارائه نمایند (۹). خودکارآمدی هیجانی مجموعه‌ای از آمادگی‌های رفتاری و تمایلات فرد در بازشناسی، پردازش و سازمان‌دهی هیجانات خود است. خودکارآمدی در مدیریت احساسات منفی، توانایی فرد برای بهبود و کنترل احساسات در مواجهه با وقایع مختلف استرس‌زا و جلوگیری از بروز نتایج منفی است. خودکارآمدی در بیان احساسات مثبت نیز به توانایی فرد برای بروز و نشان دادن احساسات مثبت مانند شادی، هیجان و غرور به عنوان پاسخ به موفقیت‌ها و رویدادهای لذت‌بخش اشاره می‌کند؛ به طوری که افراد دارای خودکارآمدی هیجانی به جای سرکوب یا اجتناب

از درک عواطف خود و دیگران قادرند پردازش مناسبی از اطلاعاتی که بار هیجانی دارد انجام دهند که به تقویت تعهد و نزدیکی عاطفی کمک می‌کند (۱۰).

نتایج مطالعات نیز تأیید می‌کنند که سرخوردگی زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی همچون انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و توانایی تنظیم شناختی هیجان مرتبط با خودکارآمدی هیجانی، در پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی به طور مستقیم بر کیفیت و پایداری روابط زناشویی تأثیر می‌گذارند (۱۱) و سرخوردگی زناشویی به عنوان یک تجربه منفی می‌تواند منجر به کاهش رضایت و تعهد در روابط گردد (۱۲). از سوی دیگر، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌تواند به بهبود وضعیت عاطفی و کاهش سرخوردگی کمک کند (۱۳). همچنین، خودکارآمدی هیجانی نقش مهمی در تقویت تعهد زناشویی ایفا می‌کند (۹). زوج‌هایی که تعارضات زناشویی خود را با روش‌های مثبت مدیریت می‌کنند، جوی را ایجاد می‌کنند که در آن مشکلات خانوادگی تأثیر منفی کمتری بر روابطشان دارد و تعهد زناشویی میان آن‌ها پابرجا باقی می‌ماند (۶).

بر این اساس، بررسی این روابط می‌تواند به درک بهتر از عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در شرایط پرتنش و تعارضات کمک کند؛ اما متأسفانه عوامل مؤثر بر این ثبات در جامعه ما مبتنی بر شرایط خاص تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی حاکم بر آن کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و مداخلات طرح‌ریزی شده بیشتر بر اصول ارائه شده در نظریه‌های روان‌شناختی استوار است. بر این اساس، با توجه به اهمیت تعهدات زناشویی در جامعه ایران، شناسایی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با آن به منظور برنامه‌ریزی جهت مداخله و ارائه آموزش‌های لازم می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های بعدی و تأثیرات آن بر جامعه و نسل آتی کمک‌کننده باشد. یکی از جنبه‌های نوآورانه این پژوهش، تمرکز بر این تعامل به عنوان یک شکاف تحقیقاتی است که درک بهتری از پیامدهای روانی اجتماعی تعارضات زناشویی

نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و...

ارائه می‌دهد. بر این اساس، پرسش اصلی مطالعه حاضر این است که آیا سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی می‌تواند تعهد زناشویی زوجین دارای تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند؟ فرضیه محوری این است که زنان دارای تعارضات زناشویی، برای پایبندی به تعهدات زناشویی، نیازمند انعطاف‌پذیری و تنظیم هیجانات خود هستند تا سرخوردگی زناشویی را کنترل کنند. یافته‌های این تحقیق می‌توانند در شناسایی الگوهای شناختی - رفتاری مؤثر بر سلامت ازدواج و طراحی مداخلات هدفمند برای کاهش پیامدهای منفی تعارضات زناشویی کاربرد داشته باشند. چنین رویکردی نه تنها به درک بهتر پویایی‌های روان‌شناختی زیربنایی این پدیده کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای توسعه راهبردهای پیشگیرانه مبتنی بر شواهد فراهم می‌سازد.

روش بررسی

این یک مطالعه توصیفی-همبستگی است که با مجوز کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد انجام شد. جامعه پژوهش زنان دارای تعارضات زناشویی مراجعه‌کننده به ۵ مرکز مشاوره در شهرستان نجف‌آباد اصفهان (معین ماهور، درخشش، ارغوان، شکبیا و ارمغان) در سال ۱۴۰۲ بودند. ۱۵۰ مراجعه‌کننده دارای تعارضات زناشویی که واجد معیارهای ورود به مطالعه بودند به صورت هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل زنان ۵۰-۱۸ ساله با زندگی زناشویی حداقل ۲ سال بود که نمره تعارض زناشویی بالاتر از میانگین پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنائی و همکاران کسب کرده و تمایل به همکاری در مطالعه داشتند. معیارهای خروج از مطالعه شامل عدم تمایل برای ادامه همکاری و ارائه ناقص پرسشنامه‌ها بود. پس از بیان اهداف و کسب اجازه از مسئولین واحدهای پژوهش اقدام به نمونه‌گیری شد. ابتدا کلیه مراجعه‌کنندگان به پرسشنامه تعارضات زناشویی پاسخ دادند. پس از بررسی نتایج با افرادی که دارای معیارهای

ورود به مطالعه بودند تماس گرفته شد و ضمن توضیحات لازم از آن‌ها جهت شرکت در مطالعه دعوت به عمل آمد. شرکت‌کنندگان رضایت‌نامه شرکت در مطالعه را امضا کردند و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی توسط پژوهشگر در بازه زمانی اردیبهشت تا اسفندماه سال ۱۴۰۲ بین مشارکت‌کنندگان توزیع شد و از آن‌ها خواسته شد که در مدت ۳۰ دقیقه در اتاق انتظار مراکز مشاوره آن‌ها را تکمیل نمایند. توضیحات لازم در مورد سؤالات پرسشنامه‌ها داده شد و ابهامات برطرف گردید. ابزارهای گردآوری داده‌ها یک فرم مشخصات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان شامل مؤلفه‌های سن، تحصیلات، مدت‌زمان زندگی زناشویی، تعداد فرزند و میزان درآمد و نیز پنج پرسشنامه به شرح زیر بود:

(۱) پرسشنامه تجدیدنظر شده تعارضات زناشویی (Marital-Conflicts Questionnaire: MCQ) که توسط ثنائی و همکاران در سال ۱۳۷۵ ساخته شده و در سال ۱۳۸۷ بازنگری شد. این یک ابزار ۵۴ ماده‌ای است که هشت بُعد از تعارضات زناشویی شامل: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت از فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر را می‌سنجد و بر اساس طیف پنج‌کلمه‌ای لیکرت از هرگز=۱ تا همیشه=۵ درجه‌بندی شده است. برخی ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات بین ۲۷۰ - ۵۴ است. نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. روایی و پایایی آن توسط یوسفی و عزیزی (۱۳۸۷) بررسی شده است؛ ضریب پایایی با محاسبه آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ به دست آمده و روایی محتوایی نیز تأیید شده است که استفاده از آن را برای پژوهش‌های بعدی تأیید می‌کند (۱۴).

(۲) آزمون تعهد زناشویی (Dimensions Commitment)

Inventory:DCI) که توسط آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ ساخته شده است. این یک ابزار ۴۴ ماده‌ای است که سه بعد تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری را می‌سنجد و بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱ درجه‌بندی شده است. برخی ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات بین ۱۷۲-۴۴ است. نمره بین ۸۸-۴۴ نشان‌دهنده تعهد زناشویی پایین، ۱۳۲-۸۸ متوسط و بالاتر از ۱۳۲ نشانگر تعهد زناشویی بالا است. روایی و پایایی آن توسط عباسی و همکاران (۱۳۹۲) بررسی شده است؛ ضریب پایایی با محاسبه آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۶ به دست آمده و روایی محتوایی نیز تأیید شده است که استفاده از آن را برای پژوهش‌های بعدی تأیید می‌کند (۱۵).

۳) پرسشنامه پذیرش و عمل (Action & Acceptance Questionnaire: II-AAQ) که توسط بوند و همکاران در سال ۲۰۱۱ ساخته شده است. این یک ابزار ۲۱ ماده‌ای است که تنوع، پذیرش، اجتناب تجربی و انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی را می‌سنجد و بر اساس طیف هفت‌درجه‌ای لیکرت از به هیچ وجه در مورد من صدق نمی‌کند = ۱ تا همیشه در مورد من صدق می‌کند = ۷ درجه‌بندی شده است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری روانی بیشتر و نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری روان‌شناختی پایین‌تر و اجتناب تجربی بالاتر است. روایی و پایایی آن توسط سلطانی و همکاران (۱۳۹۹) بررسی شده است؛ ضریب پایایی با محاسبه آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ به دست آمده و روایی محتوایی نیز تأیید شده است که استفاده از آن را برای پژوهش‌های بعدی تأیید می‌کند

۴) پرسشنامه سرخوردگی زناشویی (Marital Questionnaire disaffection) که توسط کایزر در سال ۱۹۹۳ ساخته شده است. این پرسشنامه یک ابزار ۲۱ سؤال است که سه بعد دلبستگی، بیگانگی هیجانی و حمایت هیجانی را می‌سنجد و بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از نادرست = ۱ تا

بسیار درست = ۵ درجه‌بندی شده است. برخی سؤالات به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات بین ۸۴-۲۱ است. نمرات بالاتر از میانگین نشانگر سرخوردگی بالا است. روایی و پایایی آن توسط کوهی (۱۳۸۸) بررسی شده است؛ پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸ به دست آمده و روایی محتوایی آن نیز تأیید شده است که استفاده از آن را برای پژوهش‌های بعدی تأیید می‌کند (۱۷).

۵) پرسشنامه خودکارآمدی هیجانی (Perceived Social Self-Efficacy Questionnaire: PSSE) که توسط بورلی و همکاران در سال ۲۰۰۸ ساخته شده است. این پرسشنامه یک ابزار ۳۲ سؤال است که چهار خرده مقیاس تشخیص هیجانات، درک افکار، تنظیم هیجانات و تسهیل با استفاده از افکار را می‌سنجد و بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵ درجه‌بندی شده است. دامنه نمرات بین ۱۶۰-۳۲ است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده خودکارآمدی هیجانی بیشتر است. روایی و پایایی آن توسط خدایاری و همکاران (۱۳۹۱) بررسی شده است؛ پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۹ به دست آمده و روایی محتوایی آن نیز تأیید شده است که استفاده از آن را برای پژوهش‌های بعدی تأیید می‌کند (۱۸).

داده‌های ۱۳۲ پرسشنامه کامل با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (رگرسیون چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون) در نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف اسپیرنوف تأیید شد.

یافته‌ها

بررسی توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کننده که به طور کامل به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ داده بودند نشان داد که بیشترین فراوانی سنی شرکت‌کنندگان به تعداد ۴۲ نفر بین ۳۱-۳۶ سال (۳۱/۸٪) و کمترین

نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف پذیری روان شناختی و...

جدول ۱: توزیع فراوانی شرکت کنندگان بر اساس مشخصات جمعیت شناختی

متغیر	دامنه متغیر	فراوانی	درصد
سن (سال)	۱۸-۲۴	۱۷	۱۲/۹
	۳۰-۲۵	۲۳	۱۷/۴
	۳۶-۳۱	۴۲	۳۱/۸
	۳۷-۴۲	۳۰	۲۲/۷
	۴۸-۴۳	۲۰	۱۵/۲
تحصیلات	زیر دیپلم	۹	۶/۸
	دیپلم	۲۷	۲۰/۵
	فوق دیپلم	۲۹	۲۲
	کارشناسی	۴۶	۳۴/۸
	ارشد و بالاتر	۲۱	۱۵/۹
مدت زمان زندگی زناشویی (سال)	۲-۱۰	۵۶	۴۲/۵
	۱۰-۲۰	۳۴	۲۵/۷
	بالاتر از ۲۰ سال	۴۲	۳۱/۸
تعداد فرزند	بدون فرزند	۲۰	۱۵/۱۵
	یک فرزند	۷۸	۵۹/۱
	دو فرزند و بیشتر	۳۴	۲۵/۷
میزان درآمد (نگرشی)	خوب	۱۱	۸/۵
	متوسط	۳۴	۲۵/۹
	ناکافی	۸۷	۶۵/۶

۵۹/۶۱ بود که مؤلفه دلبستگی با میانگین $۳/۵۵ \pm ۲۳/۱۰$ بیشترین میزان تأثیر را در سرخوردگی نشان داد. میانگین انعطاف پذیری روان شناختی شرکت کنندگان $۱۷/۵۳ \pm ۴۲/۱۶$ و میانگین خودکارآمدی هیجانی $۱۱/۷۲ \pm ۹۹/۵۱$ بود که مؤلفه درک افکار با میانگین $۳/۱۶ \pm ۲۶/۴۴$ بیشترین آسیب را نشان داد. میانگین تعهد زناشویی $۱۴/۱۶ \pm ۱۱۶/۰۳$ بود که مخلفه تعهد به همسر با میانگین $۵/۴۳ \pm ۳۴/۰۴$ از همه بیشتر تحت تأثیر تعارضات قرار گرفته بود (جدول ۲).

فراوانی سنی به تعداد ۱۷ نفر بین ۱۸-۲۴ سال (۱۲/۹٪) بود. بیشترین فراوانی تحصیلات مربوط به مقطع کارشناسی در ۴۶ نفر (۳۴/۸٪) و کمترین فراوانی مربوط به زیر دیپلم (۲۰/۵٪) در ۹ نفر بود. ۵۶ نفر از شرکت کنندگان (۴۲/۵٪) بین ۲-۱۰ سال زندگی زناشویی داشتند، ۷۸ نفر (۵۹/۱٪) یک فرزند داشتند و ۸۷ نفر (۶۵/۶٪) درآمد خانواده را ناکافی گزارش کردند (جدول ۱). میانگین سرخوردگی زناشویی شرکت کنندگان $۱۰/۹۱ \pm$

جدول ۲: میانگین سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی شرکت‌کنندگان

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
خوردگی زناشویی	دلبستگی	۲۳/۱۰	۳/۵۵
	بیگانگی هیجانی	۲۰/۰۲	۲/۰۶
	حمایت هیجانی	۱۶/۳۱	۲/۱۸
	نمره کل	۵۹/۶۱	۱۰/۹۱
دکارآمدی هیجانی	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی	۴۲/۱۶	۱۷/۵۳
	شناسایی	۲۴/۱۱	۴/۷۹
	درک افکار	۲۶/۴۴	۳/۱۶
	تنظیم هیجانات	۲۳/۳۲	۳/۴۵
تعهد زناشویی	تسهیل با استفاده از افکار	۲۵/۶۴	۴/۲۴
	نمره کل	۹۹/۵۱	۱۱/۷۲
	تعهد به همسر	۳۴/۰۴	۵/۴۳
	تعهد به ازدواج	۳۹/۲۷	۶/۰۳
	تعهد ساختاری	۴۲/۷۲	۷/۱۱
	نمره کل	۱۱۶/۰۳	۱۴/۱۶

مستقیم سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی را بر تعهد زناشویی به‌وضوح بررسی شود. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که تقریباً ۴۱٪ از واریانس تعهد زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی بر اساس سرخوردگی زناشویی، ۳۴٪ بر اساس انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و ۵۲٪ بر اساس خودکارآمدی هیجانی قابل پیش‌بینی است (جدول ۳).

برای پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سرخوردگی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. با توجه به اینکه در این پژوهش متغیرهای واسطه‌ای مدنظر نیستند، استفاده از رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی روابط مستقیم بین متغیرها بجای استفاده از مدل‌سازی پیچیده‌تر، کافی به نظر می‌رسد. این روش این امکان را می‌دهد که تأثیرات

جدول ۳: پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی شرکت‌کنندگان

متغیر	مدل	R	R ²	تعدیل شده R	F	Sig
سرخوردگی زناشویی	۱	۰/۴۵۲	۰/۴۱۵	۰/۴۰۵	۹۴/۰۲۰	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری روان‌شناختی		۰/۳۵۲	۰/۳۴۷	۰/۳۳۳	۹۲/۱۲۹	۰/۰۰۱
خودکارآمدی هیجانی		۰/۶۰۲	۰/۵۲۵	۰/۵۰۸	۸۲/۱۰۳	۰/۰۰۱

نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف پذیری روان شناختی و...

جدول ۴: ضرایب بتا و آزمون معناداری t برای متغیر پیش بین تعهد زناشویی بر اساس سرخوردگی زناشویی، انعطاف پذیری روان شناختی و خودکارآمدی هیجانی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	B	STE	B	T	Sig	VIF
تعهد زناشویی	مقدار ثابت	۸۰/۵۸۴	۱۰/۰۱۸	-	۸/۰۴۴	۰/۰۰۱	-
سرخوردگی زناشویی		۰/۵۲۷	۰/۶۴۳	۰/۲۸۷	۲۶/۱۲۸	۰/۰۰۱	۱/۲۰۳
مقدار ثابت		۷۲/۵۰۴	۱۰/۹۸۰	-	۱۴/۷۵۲	۰/۰۰۱	-
انعطاف پذیری روان شناختی		۰/۳۰۷	۰/۲۳۱	۰/۱۴۲	۱۲/۰۵۴	۰/۰۰۱	۱/۱۱۳
مقدار ثابت		۴۷/۰۰۳	۱۳/۰۲۳	-	۱۹/۱۲۹	۰/۰۰۱	-
خودکارآمدی هیجانی		۰/۶۴۷	۰/۰۸۲	۰/۲۳۹	۲۳/۱۴۹	۰/۰۰۱	۱/۰۰۲

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان نشان داد که تقریباً ۲۲٪ از واریانس تعهد زناشویی زوجین دارای تعارضات زناشویی بر اساس مؤلفه های سرخوردگی زناشویی (دلبستگی، بیگانگی هیجانی و حمایت هیجانی) و ۳۶٪ بر اساس مؤلفه های خودکارآمدی هیجانی (شناسایی، درک افکار، تنظیم هیجانات، تسهیل با استفاده از افکار) قابل پیش بینی است (جدول ۵).

محاسبه ضرایب بتا و آزمون معناداری t نشان داد که سرخوردگی زناشویی به طور منفی و معنادار می تواند تعهد زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی را پیش بینی کند ($t=26/128, p<0/01, \beta=0/28$). همچنین دو متغیر انعطاف پذیری روان شناختی ($t=12/054, p<0/01, \beta=0/14$) و خودکارآمدی هیجانی به طور مثبت معنادار ($\beta=0/23$) می توانند تعهد زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی را پیش بینی کنند (جدول ۴).

جدول ۵: پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس مؤلفه های سرخوردگی زناشویی و خودکارآمدی هیجانی

متغیر	مدل	R	R2	تعدیل شده R	F	Sig
مؤلفه های سرخوردگی زناشویی	۱	۰/۳۰۴	۰/۲۲۸	۰/۲۲۲	۶۶/۰۱۸	۰/۰۰۱
مؤلفه های خودکارآمدی هیجانی		۰/۴۰۹	۰/۳۶۲	۰/۳۵۹	۷۷/۱۰۲	۰/۰۰۱

جدول ۶: ضرایب بتا و آزمون معناداری برای متغیر پیش‌بین تعهد زناشویی بر اساس مؤلفه‌های مولفه‌های سرخوردگی زناشویی و خودکارآمدی هیجانی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	مؤلفه‌های متغیر پیش‌بین	B	STE	β	T	Sig	VIF
تعهد زناشویی	سرخوردگی زناشویی	مقدار ثابت	۷۳/۲۹۱	۱۴/۰۰۲	-	۱۵/۰۴۳	۰/۰۰۱	-
		دلبستگی	-۰/۳۱۷	۰/۳۰۲	-۰/۱۱۲	-۲۱/۱۲۸	۰/۰۰۱	۱/۱۰۲
		بیگانگی هیجانی	-۰/۴۲۲	۰/۰۳۲	-۰/۲۳۵	-۱۳/۷۶۴	۰/۰۰۱	۱/۳۰۱
		حمایت هیجانی	۰-/۲۹۶	۰/۰۱۴	-۰/۲۰۱	-۱۰/۲۹۰	۰/۰۰۱	۱/۴۰۰
خودکارآمدی هیجانی	مقدار ثابت		۷۵/۴۰۷	۱۳/۱۰۸	-	۴۴/۱۶۰	۰/۰۰۱	-
		شناسایی	۰/۳۰۵	۰/۳۴۸	۰/۱۹۷	۲۶/۱۵۸	۰/۰۰۱	۱/۲۶۷
		درک افکار	۰/۳۳۹	۰/۶۵۹	۰/۱۶۳	۳۷/۲۷۴	۰/۰۰۱	۱/۱۲۹
		تنظیم هیجانات	۰/۴۳۸	۰/۰۹۷	۰/۲۳۴	۲۸/۱۶۹	۰/۰۰۱	۱/۲۰۵
		تسهیل با استفاده از افکار	۰/۲۳۶	۰/۸۹۰	۰/۲۲۹	۴۰/۲۱۶	۰/۰۰۱	۱/۰۰۴

محاسبه ضرایب بتا و آزمون معناداری t نشان داد که در میان مؤلفه‌های سرخوردگی زناشویی، مؤلفه بیگانگی هیجانی به‌طور منفی و معنادار بیشتر از مؤلفه‌های دیگر می‌تواند تعهد زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند ($\beta = -0.23$, $t = -13.764$, $p < 0.01$). همچنین در میان مؤلفه‌های خودکارآمدی هیجانی، مؤلفه تنظیم هیجانات به‌طور مثبت و معنادار، بیشتر از مؤلفه‌های دیگر می‌تواند متغیر مذکور را پیش‌بینی کند ($\beta = 0.10$, $t = 28.169$, $p < 0.01$) (جدول ۶).

بحث

این پژوهش با هدف تعیین نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی در پیش‌بینی تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی

انجام شد. نتایج نشان داد که سرخوردگی زناشویی می‌تواند پیش‌بینی کننده نقض تعهد زناشویی در زنان دارای تعارضات زناشویی باشد که با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر (۱۹-۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از عوامل آسیب‌زا در سرخوردگی زناشویی، نقض تعهد و اعتماد است که در قالب روابط خارج از روابط زناشویی، کاهش توجه نسبت به همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش یک نوع احساس بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر نمایان می‌شود که درواقع همان سرخوردگی زناشویی است (۲۱). با افزایش سرخوردگی می‌توان انتظار داشت که روابط زوجین در یک رکود قرار گیرد و میزان تعاملات هیجانی و جنسی آن‌ها کاهش یافته و زمینه روابط فرا زناشویی را مهیا سازد.

افزایش سرخوردگی و کاهش رضایت زناشویی یک عامل مهم در کاهش میزان تعهدات آن‌ها در روابط زوجی است (۲۲). همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مؤلفه‌های سرخوردگی زناشویی می‌توانند تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کنند و در این میان، مؤلفه بیگانگی هیجانی بیشترین تأثیر را دارد. در تبیین مکانیسم اثر سرخوردگی زناشویی بر تعهد زناشویی می‌توان گفت سرخوردگی زناشویی به‌عنوان یک احساس منفی ناشی از نارضایتی و عدم تحقق انتظارات در رابطه، می‌تواند به کاهش تعهد زناشویی منجر شود. این سرخوردگی معمولاً به دلیل تعارضات مکرر و عدم توانایی در حل مشکلات ایجاد می‌شود و احساس ناامیدی و بی‌اعتمادی را در زنان تقویت می‌کند. به‌علاوه، زنان ممکن است در مواجهه با این سرخوردگی، احساس کنند که توانایی کمتری در حفظ و بهبود رابطه دارند که این امر با ایجاد بیگانگی نسبت به واکنش‌های هیجانی خود می‌تواند به تضعیف انگیزه آن‌ها برای تلاش در جهت حفظ تعهد زناشویی منجر شود. با استناد به نتایج مطالعات همسو می‌توان گفت به نظر می‌رسد همسران دارای دلبستگی ایمن احساس می‌کنند که ارزشمند هستند و ارزش توجه گرفتن از سوی دیگری را دارند. این افراد تمایل دارند تا روابط رومانتیک خود را به‌صورت شاد و مورد اعتماد توصیف کنند. آن‌ها قادرند نسبتاً آسان به همدیگر نزدیک شوند، تمایل دارند که در تعامل و حمایت از شریک زندگی خود راحت باشند، در مورد ترک شدن، بیش‌ازحد نگران نیستند و دارای تعهد شخصی بالایی نسبت به همسر و ازدواجشان هستند؛ اما افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی به این تصمیم‌گیری شناختی رسیده‌اند که خودشان ارزشمند و دوست‌داشتنی هستند؛ ولی این همسر است که کار مراقبت و مسئولیت خود را انجام نمی‌دهد و در نتیجه بیگانگی هیجانی و دیدگاهی منفی در مورد وی دارند (۲۳). با توجه به این خصوصیات، قابل پیش‌بینی است که

افراد دارای بیگانگی هیجانی با دلبستگی اجتناب با دوری از صمیمیت از تعهد شخصی پایینی برخوردار باشند. نتایج دیگر این مطالعه نشان داد که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی نیز می‌تواند تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند که با نتایج پژوهش‌های حسینی نژاد و همکاران (۲۴) و تاپ و همکاران (۲۵) همسو است. با توجه به نتایج مطالعات مشابه ارتباط مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی به‌عنوان یک عامل کلیدی در مدیریت چالش‌ها و بهبود کیفیت روابط تبیین می‌شود. انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به زنان کمک می‌کند تا به‌طور مؤثری با تعارضات زناشویی مواجه شوند. این توانایی باعث می‌شود که آن‌ها بتوانند احساسات منفی ناشی از تعارضات را مدیریت کرده و از راهکارهای سازنده برای حل مشکلات استفاده کنند. به‌علاوه، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌تواند به تقویت احساس خودکارآمدی و اعتمادبه‌نفس در زنان کمک کند که این عوامل نیز به‌نوبه خود تعهد زناشویی را تقویت می‌کنند. در نتیجه، زنان با انعطاف‌پذیری بالاتر، قادر به حفظ و تقویت تعهد زناشویی خود در مواجهه با چالش‌ها و تعارضات هستند که این امر می‌تواند به بهبود کیفیت روابط زناشویی آن‌ها منجر شود. با استناد به نتایج مطالعات همسو می‌توان گفت زوجین ناکام، نقص در انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دارند، در حالی که افراد با این توانمندی اطمینان بیشتری به توانایی خود در برقراری ارتباط مؤثر، به‌ویژه در موقعیت‌های جدید دارند. آن‌ها به‌صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی کرده و موقعیت‌های چالش‌انگیز را می‌پذیرند. بدین ترتیب ابعاد گوناگون انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی با تعارض‌های منفی بالا در میان همسران همراه است (۲۶). نتایج دیگر مطالعه ما نشان داد که خودکارآمدی هیجانی نیز می‌تواند تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کند که با نتایج مطالعه سیکیز (۲۷) و مهدی قلی

(۲۸) همسو است. بر این اساس می‌توان گفت ارتباط مؤلفه‌های خودکارآمدی هیجانی با تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی به‌عنوان یک عامل حیاتی در مدیریت احساسات و تقویت روابط تبیین می‌شود. زنان با احساس خودکارآمدی بالا، معمولاً در مواجهه با تعارضات زناشویی بهتر عمل می‌کنند. این توانایی به آن‌ها کمک می‌کند تا در شرایط پرتنش، احساسات منفی را کنترل کرده و از واکنش‌های تکانه‌ای پرهیز کنند. به‌علاوه، زنان با خودکارآمدی هیجانی بالا، احساس مسئولیت بیشتری نسبت به حفظ رابطه خوددارند و تمایل بیشتری به تلاش برای حل مشکلات و تقویت تعهد زناشویی از خود نشان می‌دهند. به این ترتیب، خودکارآمدی هیجانی نه تنها به بهبود کیفیت تعاملات زناشویی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظتی در برابر اثرات منفی تعارضات زناشویی عمل کند و تعهد زناشویی را در زنان تقویت کند و یک عامل بازدارنده در پیمان‌شکنی است که می‌تواند به افراد توانایی کنترل عواطف و هیجانات بدهد و از این جهت زمینه را برای بهبود روابط زناشویی و دوری از نقض تعهد زناشویی هموار سازد. در صورتی که یکی از زوجین کاستی‌های خاصی در خودکارآمدی هیجانی داشته باشند، احتمال شکاف‌های عاطفی بین آن‌ها بیشتر خواهد بود و در نهایت زمینه نقض تعهد زناشویی و ناسازگاری فراهم شود (۲۹). فراهم کردن زمینه ابراز هیجان و افشای آن‌ها به زوجین کمک می‌کند تا تجارب منفی آسیب‌زا را بهتر مورد پردازش قرار دهند. علاوه بر این، به‌کارگیری راهبردهای شناختی تنظیم هیجان باعث می‌شود زوجین بتوانند برای مقابله و مواجهه با تجربیات تلخ و ناگوار خود از ابراز هیجان استفاده کنند و رویدادهای تنش‌زا را مدیریت کنند. تنظیم هیجانات به زوجین کمک می‌کند تا ارتباط بین فردی مؤثر و کارآمدی با یکدیگر داشته باشند که به افزایش رضایت از زندگی زناشویی و به دنبال آن افزایش

تعهد زناشویی کمک می‌کند (۳۰).

به‌طور کلی آنچه از این مطالعه دریافت می‌شود آن است که سرخوردگی زناشویی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودکارآمدی هیجانی می‌توانند پیش‌بینی کننده تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی باشند؛ بنابراین با انجام مداخلات مربوط به این متغیرها می‌توان تعهد زناشویی زوجین را افزایش داد. از محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به تفاوت‌های فردی زوجین و فرهنگ حاکم بر محیط زندگی آن‌ها اشاره کرد که سعی گردید تا حد امکان با نمونه‌گیری از یک محیط با تنوع فرهنگی کمتر کنترل شود. از این رو در تعمیم نتایج برای سایر گروه‌ها و نمونه‌ها باید با احتیاط عمل کرد. همچنین نمونه‌گیری فقط از زنان مراجعه‌کننده اخذ شد که به دلیل آن بود که مراجعه‌کننده بیشتر از این جنس بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی جهت امکان تأیید نتایج، پژوهش‌های مقایسه‌ای و اثربخشی در گروه‌ها و نمونه‌ها در محیط‌های دیگر و بر روی هر دو زوج انجام گیرد. همچنین استفاده از ابزار خودگزارش‌دهی پرسشنامه به‌عنوان یک محدودیت پژوهش مطرح است که نمی‌تواند در تبیین علل و عوامل بروز تعارضات اثرگذار بر متغیرهای مورد بررسی کمک‌کننده باشد و انجام پژوهش‌های ترکیبی و مصاحبه با زوجین دارای تعارضات زناشویی به درک بهتر روابط بین متغیرها کمک‌کننده خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سرخوردگی زناشویی به‌خصوص مؤلفه‌های بیگانگی هیجانی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و تنظیم هیجانات می‌توانند پیش‌بینی کننده تعهد زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی باشند. با توجه به تأثیری که متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه بر همدیگر داشتند می‌توان گفت معنا بخشی به زندگی، تقویت توانایی زوجین برای تمرکز بر موقعیت فعلی و استفاده از فرصت‌ها،

نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف پذیری روان شناختی و...

Reference

1. Donohue WA. Communication, Marital Dispute, and Divorce Mediation. Routledge 2023
2. Zare M, Taghavi MR, Aflakseir A. Predicting of Marital Commitment Based on Couples' Conflict Resolution Styles, Self-Compassion and Satisfaction of Basic Psychological Needs. 2023; Clinical Psychology Studies, 14(50), 1-36. [Persian]
3. Fallahian H, Mikaeli N. Predicting meta-marital relationships based on love quality, couple conflict resolution styles, and marital commitment. Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal, 2019; 5(1), 59-76 [Persian]
4. Shakarami M, Zaharakar K, Mohsenzadeh F. Determine the contribution of conflict resolution styles in prediction of marital commitment. Journal of Research & Health, 6(4): 438- 444 [Persian]
5. Knoke J, Burau J, Roehrle B. Attachment styles, loneliness, quality, and stability of marital relationships. Journal of Divorce and Remarriage, 2010; 51, 310-325 [Persian]
6. Sheykhesmaeili D, Golmohammadian M, Hojjatkah S M. The role of personality characteristics and marital interaction stability in the prediction of marital disaffection with mediating sexual self-efficacy in married women. Iran J Nurs Res, 2019; 13(5), 59-68.
7. Asadi F, Abolghasemi A, Narimani M, Comparison of flexibility, coherence and self-promotion in women with and without marital conflict. International Conference on Psychology and Culture of Life 2015[Persian]
8. Tolorunleke CA. Causes of marital conflicts amongst couples in Nigeria: Implication for counselling psychologists. Social and Behavioral Sciences, 2014, 140, 24-2
9. Salehi M, Asghari E, Abad MJ. The Role of Self-efficacy and Emotional Intelligence in Predicting Marital Conflict Resolution among Mashhad University Students. Journal of Women Interdisciplinary Researches, 2020; 2(3): e725855[Persian]
10. Vanhee G, Lemmens GMD, Stas L, Loeys T, Verhofstadt LL. Why are couples fighting? A need frustration perspective on relationship conflict and dissatisfaction. Journal of Family Therapy. 2018 ; 1;40:4-23.

آگاه سازی نسبت به خاستگاه هایشان و نیز بالا بردن توانایی تحمل شرایط و هیجانات منفی می تواند گام مؤثری در کمک به حل مشکلات زوجین و بازگرداندن آن ها به مسیر تعهد زناشویی باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله بخشی از نتایج پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد است که با تأیید کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه به شماره ۱۴۰۲۰۶۷.IR.IAU.NAJAFABAD.REC انجام شده است. پژوهشگران بر خود لازم می دانند که از مسئولین واحدهای پژوهش و کلیه مشارکت کنندگان در این پژوهش قدردانی نمایند.

11. Faryadi Ghayesh Ghorshagh, M, Kalthornia Golkar M, Ataefar R. Prediction of marital disaffection based on personality traits with the mediation of cognitive emotion regulation in married women. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, 2024; 13(10), 201-210 [Persian]
12. Baher Talari, M, Mikaeili N, Aghajani S, Habibi N. Prediction of marital disaffection based on cognitive distortion, interpersonal forgiveness and emotion regulation strategies in married people. *Social Psychology Research*, 2024; 14(53), 1-16 [Persian]
13. Rafiee M, Masoudi S, Khakpour M. The effectiveness of schema therapy on cognitive flexibility, marital frustration and post-traumatic growth in women with cancer in Mashhad. *Medical Journal of Mashhad university of Medical Sciences*, 2024; 67(2), 522-533 [Persian]
14. Yoosefi N, Azizi A. Explaining a model to predict marital conflict based on differentiation and personality types. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 2018; 9(35): 57-78. [Persian]
15. Abbasi H, Ahmadi S A, Maryam Fatehi zadeh M M F Z, Bahrami F. The Effect of Glaser's Reality Therapy on Personal Commitment of Couples. *FPJ* 2016; 2 (1) :39-53 [Persian]
16. Soltani E, Ghanizadeh A, Dashtgheib S A, Wong Q J, Jaafari N. Psychometric properties of the Persian version of the acceptance and Action Questionnaire for obsessions and compulsions (AAQ-OC). *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*. 2020; 27: 100582. [Persian]
17. Kohi S, Etemadi O, Fatehizadeh M. The relationship between personality characteristics, general health, contextual factors, and marital dissatisfaction of couples. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*. 2014; 4(1):71-84. [Persian]
18. Khodayarifard M, Manzari Tavakoli V, Farahani H. Reliability and validity of Persian version of Emotional Self-Efficacy Scale. *journal of psychology*. 2012;16(1):70-83. [Persian]
19. Ahmadzadehaghadah E, Karimisani P, Goudarzi M, Moradi O. The effectiveness of couple therapy with schema therapy approach on disaffection and marital commitment in couples. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*. 2020; 8(5):1-13. [Persian]
20. Nazari A, Falahzade H, Nazarboland N. Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy (ACT) on women's marital disaffection and marital quality. *Journal of applied psychology*. 2018; 11(4), 433-452 [Persian]
21. Rahimi B, Salarkarimi N, Kuchaksaraei M R, Taherkhani M, Nasab S M. The Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy on Marital Frustration and Attitude towards Divorce among Married Women on the Verge of Divorce. *Psychology of Woman Journal*. 2023;4(2): 93-99 [Persian]
22. Hou Y, Jiang F, Wang X. Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*. 2019; 1;54(3):369-76.
23. COSTA CBD, Mosmann CP. Aspects of the marital relationship that characterize secure and insecure attachment in men and women. *Estudos de Psicologia (Campinas)*. 2020; 37: e190045.
24. Hoseinzadeh S, Monirpour N, Zargham Hajebi M. Structural model of predicting marital commitment based on its differentiation with the mediating role of cognitive flexibility. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*. 2021;10(6): 53-62. [Persian]
25. Tapp Jr R L. Concurrent relations between psychological flexibility and sexual satisfaction among committed couples. *Spalding University*. 2014
26. Isazadegan A, Dostalizadeh S. Comparing the cognitive flexibility, cognitive fusion, cognitive defusion in male and female divorce applicants. *Scientific Journal of Nursing, Midwifery and Paramedical Faculty*. 2020;5(4):15-26 [Persian]
۲۷. Čikeš A B, Marić D, Šincek D. Emotional intelligence and marital quality: Dyadic data on Croatian sample. *Studia psychologica*, 2018; 60(2): 108-122.
28. Mehdigholi M, Dokanei fard F, Jahangir P. Presenting a model for predicting marital boredom based on differentiation, emotional intelligence and mental health mediated by resilience in couples. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*. 2022; 3(4): 347-365 [Persian]
29. Jardine BB, Vannier S, Voyer D. Emotional intelligence and romantic relationship satisfaction: A systematic review and meta-analysis. *Personality and Individual Differences*. 2022;1:196:111713 [Persian]

نقش سرخوردگی زناشویی، انعطاف پذیری روان شناختی و...

30. Rick JL, Falconier MK, Wittenborn AK. Emotion regulation dimensions and relationship satisfaction in clinical couples. Personal Relationships. 2017;1:24(4):790–803.

The Role of Marital Frustration, Psychological Flexibility, and Emotional Self-Efficacy in Predicting Marital Commitment of woman's with Marital Conflicts

Nahid Jafarian¹, Maryam Moghimian^{2*}

Abstract

Background and objective: Marital commitment is important in strengthening the family and accepting its responsibilities, and it is necessary to examine the factors affecting it based on the conditions and culture of the society. The present study was conducted to determine the role of marital frustration, psychological flexibility, and emotional self-efficacy in predicting marital commitment in woman's with marital conflicts.

Methods and Materials: This is a descriptive correlational study. 150 couples with marital conflicts referring to 5 counseling centers were selected based on the inclusion criteria using the available sampling method and responded to the Binai Marital Conflicts, Adams Marital Commitment, Bond Acceptance and Action, Kairs Marital Frustration, and Beverly Emotional Self-Efficacy questionnaires. Data from 132 complete questionnaires were analyzed with descriptive (frequency and mean) and inferential (multiple regression and Pearson correlation coefficient) statistical tests in SPSS 18 software.

Results: Marital commitment in woman's with conflicts is predicted by marital frustration with 41% of the variance, psychological flexibility with 34%, and emotional self-efficacy with 52% of the variance. The components of emotion regulation positively and significantly ($\beta = 0.23$) and emotional alienation negatively and significantly ($\beta = 0.23$) predicted marital commitment ($p < 0.01$).

Conclusion: Emotional self-efficacy, emotion regulation, and emotional alienation have the greatest impact on predicting marital commitment in woman's with conflicts; however, the role of marital frustration and psychological flexibility is also significant. Accordingly, appropriate interventions to control these variables seem useful in order to improve woman's marital commitment.

Keywords: Conflict, Emotional Self-Efficacy, Marital Commitment, Marital Frustration, Psychological Flexibility.

1. MSc. of Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Na. C, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Associate prof, Department of Psychiatric Nursing, Na.C, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding author)
Email: Maryam.moghimian@iau.ac.ir